

## کودک از نظر گاه ادیان

با بررسی نظرات ادیان آسمانی و پژوهش در کتب دینی پیشینیان و مقایسه آن با مطالبی که در قرآن کریم آمده است بسیار قابل توجه خواهد بود که موجود ناشناخته پراسراری به نام «کودک» را بهتر بشناسیم و به اهمیتی که اسلام نسبت به کودک قائل شده است پی ببریم. نخست کودک را در آثار دینی پیشینیان مورد بحث قرار می‌دهیم:

الف: آنچه که دربارهٔ کودک، در «توراة» و «انجیل» آمده است، بسیار مختصر است و قابل قیاس با نظر گاه وسیع قرآن نمی‌باشد و جمع مطالب این دو متن به شرح ذیل می‌باشد:

۱- دربارهٔ نام‌گذاری کودک، دو آیه است که می‌گوید با مشورت با فامیلان نام‌گذاری کودک صورت می‌گیرد (۱) و در عهد قدیم نام کودک گاهی از اسم پدرش مأخوذ بود و اسامی در عهد جدید غالباً اسم‌های قدیمی و مخصوص خانواده بود (۲).

۱- انجیل لوقا، باب اول آیه ۵۹ دربارهٔ اسم حضرت یحیی بن زکریا عهد قدیم کتاب اوت. باب چهارم آیه ۱۷.

۲- قاموس کتاب مقدس، ص ۵۹ و ۶۰ تحت عنوان «طفل».

در عهد جدید (انجیل) بیش از ۸۰ بار لفظ (پسر انسان) آمده است که منظور حضرت عیسی (ع) می باشد و اشاره به طبیعت انسانی حضرت مسیح است در برابر پسر خدا که اشاره به جنبه لاهوتی مسیح می باشد .

۲- کودکان شیرخوار . در انجیل از باب اینکه شیر نمونه پاکی و صفا و سادگی و حقیقت و حیات بخشی می باشد ، به کودکان شیرخوار مثل زده شد :

« هر که شیرخوار باشد در کلام عدالت ناآزموده است چونکه طفل است » (۱) و در رساله پطرس آمده است :

« هر نوع کینه و مکر و حسد و هر قسم بدگوئی را ترك کرده چون اطفال نوزاده مشتاق شیر روحانی و بی غش باشید تا از آن برای نجات نموکنید » (۲).

۳- خسته ، به معنی پاکی ، یادگار عهدیست که خداوند با ابراهیم (ع) و فرزندان او بسته است و هشت روز بعد از تولد کودک باید انجام گیرد (۳).

۴- تعمید ، که بنا بر عقیده گروهی از مسیحیان باید کودک را غسل تعمید داد ولی گروهی دیگر گویند که چون طفل قادر بر اعتراف گناه نیست و اصولاً گناهی ندارد لذا ، افراد بالغ را باید تعمید داد . ( رجوع شود به قاموس ، کتاب مقدس - ذیل کلمه تعمید ) .

### ب : کودك در اوپانیشاد

کودك يك موجود ناگهانی نیست که تصادفاً به وجود آمده باشد ، بلکه

۱- رساله عبرانیان ، باب ۵ آیه ۱۲ و ۱۳ .

۲- رساله اول پطرس رسول ، باب دوم ، آیه ۱ و ۲ و نیز رجوع

شود به مزمور هشتم آیه ۲ .

۳- سفر پیدایش ، باب ۱۷ ، آیه ۱ تا ۱۲ و صحیفه یوشع ، باب ۷

آیه ۲۲ و سفر لاویان ، باب ۱۲ ، آیه ۳ .

دنیای پیش از تولد پیچیده تر از دنیای بعد از ظهورش می باشد . او در دنیای بعد از ظهورش می باشد . او در دنیای پیشین يك موجود حساب شده و کاملی بوده است که به علل رفتار قبلی ناگزیر باید دوباره به دنیا آید و این بار از طریق رفتار نیک و کردار پسندیده می تواند خود را از رنج زایش مجدد نجات دهد و صفات خویش مانع از آن شود که دوباره به دنیا آید .

با توجه به عقاید تناسخی هندوان ، باید توجه داشت که پیرامون موجودی بحث می شود که قبلا در این دنیا بوده و سرد و گرم روزگار چشیده است . اما زایش او بر طبق قوانین و مقررات خاصی است ، لذا برای شناخت کودک در اوپانیشاد ، لازم است چنین شناسی اوپانیشادی روشن گردد :

الف - مقررات و شرائط انعقاد نطفه :

۱- به منظور تولید نسل و پیدایش فرزند ، مرد نباید در روز با زن خویش صحبت بدارد (۱) .

و کسی که همین شب با زن صحبت می دارد ، روز صحبت نمی دارد ، نطفه خود را ضایع نمی کند چه از صحبتی که شب داشته شود ، از آن نطفه پسر و دختر پیدا می شود (۲) .

۲- مدت حیض چهار روز است و پس از چهارم تا شانزده روز ، ایام صورت بستن نطفه در رحم می باشد و مرد که به قصد فرزنددار شدن با زن خویش صحبت می دارد ، باید ماهی یکبار پیش وی رود چون منظور لذت نیست و چنانچه ماهی یکبار در آن ایام پیش زن خود نرود ، گناه بزرگی کرده باشد زیرا مانع از ایجاد يك فرزند گردیده است (۳) .

۱- اوپانیشاد ، ص ۱۲۵ ، بند ۱۳ .

۲- همان ، بند ۱۵ .

۳- اوپانیشاد ، ص ۱۲۵ ، بند ۱۵ ، سطر ۱۴ تا ۱۸ .

## ب - تکامل جنین

د در هشت بهر که شبانه روز باشد ، این نطفه و خون باهم جوش می - خورد و غلیظ شده علقه می شود ، در هفت شبانه روز دیگر که باهم می جوشد ، مثل حباب بلند می شود و در پانزده شبانه روز دیگر گوشت پاره نرم می شود و در يك ماه آن گوشت پاره سخت می شود و در ماه دوم آن گوشت پاره سرپیدا می کند و در ماه سوم دست و پا به هم می رساند و در ماه چهارم انگشت های دست و پا و شکم و کمر و دیگر اعضا بهمرسانیده ( به جنبش پران در حرکت می آید ) و در ماه پنجم استخوان پشت سخت و مضبوط می شود و در ماه ششم محل های حواس درست می شود و در ماه هفتم شمور بهمرسانیده و در ماه هشتم اعضای او کامل می شود ، (۱) .

## ج : جنسیت کودک :

دردو قسمت از او پانیشاد به چگونگی جنسیت کودک اشاره شده است :

۱- در اینکتهت پرشنه (۲) چنین آمده است :

د شب ششم ابتدای حیض و شب هشتم و شب نهم و شب دوازدهم و شب چهاردهم و شب شانزدهم که شب های جفت است ، اگر پیش زن برود ، پسر بهم می رسد . و شب پنجم که شب اول پاکی حیض است و شب هفتم و نهم و یازدهم و سیزدهم و پانزدهم اگر به زن صحبت دارد دختر می شود . مقرر است

۱- اینکتهت گر بهه ، ص ۴۳۳ ، بند ۳ .

۲- پرشنه Prasna یعنی پرسش و سؤال در اینجا قسمت سؤال از

خلقت و پیدایش و چگونگی اسم اعظم است . ص ۱۷۲ تا ۱۷۶ مشتمل برش

سؤال اول ، بند ۱۵ ، ص ۱۷۵ شامل مطالب فوق است .

که در این ایام، در شبهایی که پسر متولد می‌شود، باید که زن از غذای ممتاز چیزی کم بخورد که از کم خوردن غذا، نطفه زن که زیاد باشد پسر متولد می‌گردد. و اگر در شبهایی که مقرر است پسر شود، وزن چیز بسیار خورده باشد و چون نطفه زن زیاد از نطفه مرد جمع می‌شود، آن پسر صورت و سیرت زنانه بهم می‌رساند. و اگر در شبهایی که پیدایش دختر در آن مقرر است نطفه مرد زیاد از نطفه زن - دختری پیدا شود که صورت و سیرت مردانه داشته باشد و اگر هر دو نطفه در شبهای طاق که مقرر است دختر شود یا شبهای جفت که مقرر است پسر شود، برابر باشد، فرزند همیز و مخنث شود، اگر در شبهای جفت است مخنث و مرد نما شود، اگر در شبهای طاق است، مخنث زن نما شود.

۱- در اینکته گریه (۱) پس از بیان تکامل جنین راجع به اوصاف و نوع آن به عبارتی دیگر چنین یاد گردیده:

« و اگر نطفه مرد در وقت یکجا شدن منی بر خون باقیمانده حیض زیاد است، پسر می‌شود و اگر خون باقیمانده حیض بر منی مرد زیاد باشد دختر می‌شود و اگر هر دو برابر باشد مخنث می‌شود و در وقت مباشرت، هر کدام از مرد و زن که خوشحال نباشد و دلش بیقرار باشد، خواه پسر و خواه دختر که متولد گردد معیوب باشد، یا نایینا باشد، یا شل شود، یا گوژپشت شود، یا پست قد شود، یا از اقسام عیبهایی داشته باشد و اگر در وقت داخل شدن نطفه مرد در رحم زن اپان باد باشد، اپان باد نطفه را دو حصه می-

۱- در این قسمت از چگونگی خلقت و شهر خدا ( = بدن آدمی )

بعث شده است او پانیشاد، ص ۴۳۳، بند ۳، سطر ۱۸ به بعد.

کند و دو فرزند توأم متولد می‌شود (۱).

با توجه به آنچه که از کتاب اوپانیشاد یا سراکبر نقل گردید، پایه‌های ژنتیکی کودک مشخص گشت و از لحاظ وراثت، جنبه‌های ارثی طفل از پدر و مادر و همچنین علل خنثی بودن و یا مردنمائی یا زن نمائی کودک معلوم شد هرچند که اساس علمی ندارد ولی توجه به اینگونه صفات خالی از اهمیت نمی‌باشد.

### ج: کودک در قرآن

در قرآن مجید به نحو شایان توجهی پیرامون کودک بحث گردیده. در وهله اول کودکان در نظر قرآن به دو دسته تقسیم شده‌اند یکی کودکان استثنائی پیشرفته دیگر کودکان عادی.

کودکان استثنائی پیشرفته که برگزیدگان خلقت‌اند، پس از طی مراحل بلوغ و کهنولت اغلب به‌مقام شامخ نبوت رسیده‌اند، گفتگو و تشریح حالات روانی این کودکان استثنائی درخور یک رساله‌ای مستقل است و مجال آن در اینجا نیست.

اما کودکان معمولی و عادی در آیات فراوانی مورد بحث قرار گرفته که می‌توان این آیات را در دو بخش پیدایش و پرورش مورد گفتگو قرارداد. الف - آیاتی که درباره خلقت آدمیست از لحاظ جنبین شناسی قابل توجه است و چنانچه بانظرات اوپانیشاد مقایسه گردد مزایای علمی و اصولی قرآن مشخص می‌گردد.

۱- پس از بیان آفرینش به شرح اعضاء بدن پرداخته می‌شود و چون بدن آدمی همانند (شهر خدا) می‌باشد، بر نامه تربیتی براین اساس است که باید بدن خویش را خوب آگاه باشد و سپس در مراحل بلوغ و کمال راه اتحاد جیواتما (روح آدمی) با پرمتما (روح جهانی) را دریابد.

ب - آیات پرورش از زمان شیرخوارگی تا حد بلوغ اعم از کودک یتیم و فرزند خوانده را بشرح ذیل ناظر است :

۱ - آیاتی که مربوط بدوره شیرخوارگی کودک است و حقوقی را که برعهده پدر و مادر می باشد شامل است .

۲ - آیات اخلاقی پیرامون فرزندی و اینکه فرزندان نمی توانند کار خود شخص را انجام دهند و مایه آزمایش اند .

۳ - آیات درباره یتیم ( کودک بی سرپرست ) و رعایت حقوق آن .

۴ - آیات درباره فرزند خوانده و قوانین راجع به آن .

### جنین شناسی در قرآن:

۱ - خداوند آدمی را از خون بسته ای بیافرید (۱) و این مرحله دوم است و بشرح مراحل تکوین جنین درسوره حج (۲) چنین آمده است :

« ای مردمان ، اگر درباره روز رستاخیز مشکوکید ، همانا ما شما را از خاک آفریدیم ، سپس از نطفه آنگاه ازعلقه ( خون بسته ) سپس پاره گوشتی نرم تمام آفریده و ناتمام آفریده ، تا بر شما روشن کنیم . و ما در زهدان آنچه خواهیم نقش بندیم تا بموقع معینی شما را بصورت طفل بیرون آوریم پس آن گاه بدوره بلوغ و نیرومندی رسیده و برخی از شما درگذرند و بعضی دیگر به سن پیری رسند ... » و شرح کاملتر آن در سوره المؤمنون بدین عبارت آمده است :

« همانا آدمی را ازچکیده گل آفریدیم و سپس آنرا همانند چکه آبی

(۱) - سورة الملق ( اقراء ) آیه ۲ .

(۲) - سورة الحج آیه ۵ و نیز در سورة المؤمنون آیه ۶۷ بهمین ترتیب

آمده ولی با عدم ذکر مضغه .

در جایگاه مناسبی قرار دادیم و سپس این چکه آب (نطفه) را بصورت خون بسته همانند گوشتی نرم آفریدیم و از آن استخوان خلق کردیم و روی استخوان ، گوشت پوشانیدیم و آنکاه بصورت آفرینش دیگر در آوردیم ، پس خجسته باد خداوند یکه بهترین آفرینندگان است ، (۱) .

از مجموعه آیاتی که در قرآن کریم راجع به کودک آمده است ، نکات ذیل بسیار مهم است :

الف - خداوند می فرماید : ما يك عده را نازا کردیم ، عده ای را فقط پسر دادیم . به برخی فقط دختر دادیم ، به بعضی هم پسر دادیم و هم دختر عطا کردیم (۲) .

### ب - اصل تصویر (۳) و اصل صیانت از تشابه (۴)

اصل تصویر معنی صورت بندی و شکل سازی جنین بر اساس قسوانین

(۱) سورة المؤمنون آیه های ۱۲ تا ۱۴

(۲) سورة السوری (۴۲) آیه ۵۰-۴۹ ، در این آیه ( الذکور )

ممرغه یاد گردیده زیرا طرفدار پسر زیاد بودند و برعکس ( اناثاً ) بصورت نکره قید شده زیرا مورد خواست نبوده .

(۳) - سورة آل عمران آیه ۶ .

(۴) - سورة الروم ۲۶ ( ۳۰ ) آیه ۲۲ و من آیه خلق السموات والارض

و اختلاف المستنکم و الوانکم ان فی ذلك لآیات للعالمین ، اختلاف السنه یعنی اختلاف آهنگهای صوتی نه لفتها و الفاظ که جنبه وضعی دارد زیرا سه اصل تصویر - صیانت از تشابه و اختلاف دستگاه صوتی از مسائل طبیعت است نه قرار دادی .



موضوعه الهی است و خداوند است که نوزادان را به رنگهای مختلف و چهره های گوناگون با آهنگهای متفاوت می آفریند .  
 بیان اصل صیانت از تشابه ، از شاهکارهای خلفت انسان است که در قرآن ، بجید چنین بیان گردیده : « اتحسب الانسان ان نجعل عظامه بلی قادرین علی ان نسوی بنانه (۱) .

طنطاوی که از مفسرین عالم و شهیر جهان معاصر است در تفسیر معروف خویش ذیل شرح آیه شریفه مذکور می نویسد : یکی از دانشمندان بنام آلمانی که اسلام آورد ، دلیل مسلمان شدنش را اعجاز این آیه شمرد که قرنهای قبل از پیدایش دانش انگشت نگاری ، قرآن کریم به این مسئله تذکر داده و به عنوان يك اصل از صیانت و تشابه یاد آوری کرده . زیرا امضاء و کتابت قابل جعل است ولی اثر انگشت که از زیباییهای سازمان خلقت است ، قابل جعل نیست و اهمیت این مسئله را در جرم شناسی نمی توان انکار کرد .

ج - درباره (منی) چنین توضیح داده شده است :

« الم بك نطفة من منی یمنی ثم علقة فخلق نسوی ، فجعل منه الزوجیه

الذكر والانثی (۲)

ترجمه : آدمی آیا چکه ای از منی نبود که ریخته می شود و سپس خونی

بسته بود ، پس خداوند بیافرید و بیاراست و از آن دو جنس نرینه و مادینه قرار داد .

۱ - سوره القیامه (۸۵) آیه ۳ و ۴ .

۲ - سوره القیامه آیه های ۳۷ تا ۳۹ آیه قبل : اتحسب الانسان ان یترك

سدى . شعار حضرت علی علیه السلام بهنگام بیل زدن زمین بوده است ، یعنی آیا پنداری که آدمی ول و بی سرپرست رها شده است ( .

در این آیه بدو مطلب اساسی اشاره شده یکی خصوصیت جهندگی اسپرم یا منی است دیگر شاهکار علم ژنتیک را بازگو کرده و آن عبارت از این است که اسپرم خصوصیت نرینگی و مادینگی دارد . وقتی که بخواهیم در کمال بی نظری ، مقایسه‌ای با مطالب او پانیشاد و گفتار قرآن نمائیم ، تفاوت و ارزش بهاء این دو گفتار روشن میگردد در او پانیشاد گفتار خرافی بی اساس در زمینه پسر یادختر شدن فرزند نقل گردیده و لکن در قرآن مجید يك قانون علمی محقق را بازگو کرده . امروزه مسلم گردیده است که کروموزمهای y و x در اسپرم موجود است که در ترکیب با اوول Ovule یا تخم مادینه ، جنسیت کودک مشخص می گردد نکات دیگری که مشهود است بدین ترتیب است :

- ۱ - تکامل جنین بر اساس قوانین طبیعی بازگو شده است و در اینجا با جنین شناسی اوپانیشادی قابل مقایسه است .
  - ۲ - نازایی واجب فرزند شدن که بچهار قسمت می توان اشاره کرد (۱):
    - الف - خداوند می فرماید ما يك عده‌ای را نازا ساختیم .
    - ب - عده‌ای را فقط پسر دادیم .
    - ج - به برخی فقط دختر دادیم .
    - د - به بعضی هم پسر دادیم و هم دختر دادیم .
- با توجه به نکات فوق ، شناسنامه آفرینش کودک مشخص می شود که با خصوصیات معین یعنی شکل بخصوص ، رنگ مخصوص ، آهنگ و صدای خاص

---

۱ - سوره شوری ۴۲ آیه ۴۹ و ان الله ملك السموات والارض یخلق ما یشاء یهب لمن یشاء اناثا ویهب لمن یشاء الذکور او یزوجهم ذکرا و اناثا ، و یجعل من یشاء عقیما انه علم قدير .

یاد آوری : الذکور معرفه قید گردیده چون طرقدار پسر زیاد بوده اند و برعکس ( اناثا ) نکره ذکر شده چون مورد خواست نبوده است .

و سر انگشت ویژه بدنیا می آید و در تأیید آن آیه ۱۵ سوره نوح میباید که می فرماید : شما را با اطوار مختلف استعدادهای متفاوت آفریدیم .

ب - پرورش :

۱ - دوران کامل شیر خواری دو سال تمام است و این وظیفه برعهده مادران است و پدران نیز باید با طیب خاطر و نیکوئی تمام خوراک و پوشاک مادران را فراهم کنند این دستورات را خداوند کریم در قرآن مجید بدین شرح بیان می کند :

و والوالدات یرضعن اولادهن حولین کاملین لمن اراد ان یتم الرضاعه و علی المولود له رزقهن و کسوتهن بالمعروف لا تکلف نفس الا و سهالا تضار ، والده یولدها و لامولود له بولده ، و علی الوارث مثل ذلك فان اراد فصلا عن تراض منهما و تشاور فلا جناح علیهما و ان اردتم ان تستر ضعوا اولادکم فلا جناح علیکم اذا سلمتم ما ایتیم بالمعروف و اتقوا الله بما او علمون الله تعلمون بصیر (۱) . نکات بسیاری از این آیه شریفه استنباط می شود و آنچه بیشتر مورد

۱- سوره بقره آیه ۲۳۳ یعنی : مادرانی که میخواهند شیر دادن را کامل کنند باید فرزندان شان را دو سال تمام شیر دهند و پدر موظف است خوراک و پوشاک مادران را با طیب خاطر تأمین کند ، هیچ شخص جز بفرخور توانائی اش مکلف نمی شود . هیچ مادر یا پدری از ناحیه طفلش متضرر نمی گردد و ارث نیز باید بهمین نحو عمل کند و اگر پدر و مادر با تراضی یکدیگر و از ناحیه یکدیگر به شورت هم ، بخواهند کودک را از شیر باز گیرند ، گناهی ندارد اگر بخواهید کودک تان را دیگران شیر دهند (و یا به شیر خوار گاه بسپارید) هر گاه شیر مزه را بجویی بپردازید اشکالی ندارد ، در هر حال پرهیز کار باشید و خداوند بدانچه که رفتار می کنید آگاه و بیناست .

نظر می‌باشد عبارت است از اینکه خوراک کودک باید بنحو شایسته و کامل تأمین شود و برای اینکه مادران و یادایگان آسوده خاطر باشند ، باید پدر لباس و خوراک آنان را فراهم کند و حتی دستمزد دایگان را با خوبی و مهری بی‌پروا تا در امر شیر دادن کودک اهمالی صورت نگیرد و پدر و مادر از ناحیه کودک زبانی نمی‌بینند و متصرف نمی‌شوند .

در تأکید نکته اخیر ، صریحاً پدرانی که فرزندان‌شان را از ترس و گرسنگی و قحطی می‌کشند از این کار زشت نهی شده و خداوند چنینی می‌فرماید:

و لَاتَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشِیةَ إِخْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَبِرِّبَائِكُمْ أَنْ قَتَلْتُمْ كَانِ حَطًّا كَبِیرًا (۱) .

یعنی فرزندان‌تان را از ترس قحطی نکشید ، ما عهده‌دار روزیشان هستیم زنده‌ها را کشتن آنان که گناهی بس بزرگ است .

لازم به یاد آورید که میل فرزنددار شدن غیر از فرزندداری است و این دو مسأله در مبحث بیان مفهوم طبیعت آدمی ، قسمت انگیزه‌ها و کشش‌ها مورد گفتگوست . کشش فرزندخواهی در جامعه شناسی تاریخی بر اساس تعاون اقتصادی و عوامل فرهنگی پدید آمده است . و به مرور رنگ ( بقاء نوع ) بخود گرفته است اما میل فرزند داری پایه‌های قیزیولوژیکی و عاطفی دارد و اساس طبیعی آن بیشتر است ، با همه احوال ، در جوامع مختلف دیرین بنا بر نقل قوم شناسان روایات فرزندکشی شنیده میشود ، قرآن کریم نیز حکایت از فرزندکشی بر اساس ترس از گرسنگی و قحطی را نقل میکند و مرتکبین چنین جنایتی را سخت محکوم می‌سازد و خداوند رزق و روزی والدین فرزندرا عهده دار می‌شود (۲) .

۱ - سوره الانعام (۶) آیه ۱۵۱ و لَاتَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ أُمَّلِقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَآبَائِكُمْ ( فرزندان‌تان را بترس از گرسنگی نکشید ، ما شما و ایشان را رزق و روزی دهیم) .

۲ - سوره بنی اسرائیل (۷) آیه ۳۱

اما در مورد دخترکشی که از لحاظ روانشناسی اجتماعی بسیار درخور توجه است ، قرآن کریم صریحاً به آن اشاره کرده ، وقائین را مورد بازخواست قرار میدهد و می فرماید .

و اذا الموءده سئلت باى ذنب قتلت (۱)

دخترک زنده بگور شده پرسیده شود که بر چه گناهی کشته شده است این آیات از شاهکارهای تربیتی پدران و مادران است. در روانشناسی اجتماعی علت این رفتار پلید نسبت به دختران روشن گردید که تحت عوامل فرهنگی و اجتماعی چنین حالاتی پدید می آید .

#### ۴ تعلیم و تربیت :

پس از آنکه پیدایش و نگهداری كودك بازگو شد خداوند از زبان مرد حکیمی بنام لقمان برنامه آموزشی كودك را چنین توضیح میدهد : (۲)

نخست درس خدانشناسی و درس توحید و یگانگی آفریدگار اثبات اصل نهائی از طریق مشاهدات عینی و تجربی بزبان بسیار ساده در قرآن کریم بیان شده است پس آنگاه اثبات اینکه اصل نهائی واحد و بدون اثبات است مطرح می شود بعد وظائف عبادی که نیایش بدرگاه بی نیاز است عنوان میگردد سپس ، احترام و سپاس داری والدین را گوشزد می کند .

آنگاه رفتار نیک و نیکخواهی و پرهیز از زشتی ها را که جنبه اجتماعی دارد ، یاد آور میشود و طرز صحبت با دیگران را و برخورد با آنان و چگونگی گام برداشتن را به كودك چنین میفرماید :

۱ - سورة التکویر (۸۱) آیه ۹ و ۸

۲ - سورة لقمان (۳۱) مشتمل بر ۳۴ آیه است ، که از شاهکارهای

آموزشی و پرورشی میباشد .

« یا بنی ، اقم الصلوة و امر بالمعروف و انه عن المنکر و اصبر علی ما اصابک ان ذلك من عزم الامور و لاتصبر خدک للناس و لاتمش فی الارض مرحاً ان الله لایحب کل مختال فخور و اقصد فی مشیک و اغضض من صوتک ان انکر الاصوات لصوت الحمیر » (۱).

( کودکم نماز به پای دار و نیکوئی بگمار و از زشتی و بدکاری بازدار و در مصائب روزگار خویشتن دار باش یا شکیبائی کن بر آن رنج که به تو رسد [ در امر بمعروف و نهی از منکر ] که آن از استواری کسارهای دین است و درستی نشانهای آن (۲) در برخورد با مردمان ، چهره برمگردان و بر روی زمین خودکامانه ره مرو و همانا خداوند خرامنده لاف زن خویشتن ستای را دوست ندارد . در راه رفتن خود میاندرو باش و صدایت را ملایم کن و بانگ بر میاور که همانا زشت ترین آوازا ، بانگ خران باشد .

### ۳- تابوی جنسی یا اخلاق تابوئی :

محرّمات جنسی که بازگوکننده اخلاق مهذب جنسی می باشد ، از زوایای تمالیم آسمانی قرآن فراموش نگشته بلکه از موارد بسیار قابل توجه نیز هست .

الف: در برابر کودکانی که هنوز از مسائل جنسی چیزی نمی دانند ، ایرادی نیست که زینت و آرایش زنان پیدا و آشکار شود (۳).

ب: اما کودکانی که هنوز رؤیای جوانی ندارند و به حد احتلام که از علائم بلوغ جنسی است نرسیده اند نباید در سه وقت بدون اجازه وارد اتاق ویژه والدین شوند: ۱- به هنگام بامداد قبل از نماز صبح . ۲- در نیمروز که هنگام

۱- همان آیه های ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ .

۲- نقل ترجمه از تفسیر کشف الاسرار ، تألیف میبیدی ، به سال ۵۲۰

هجری ، چاپ دانشگاه تهران ، ج ۷ ، ص ۴۸۳ .

۱- سورة النور (۲۴) آیه ۳۱ .

خواب قبوله است و زنان بدون حجاب و با پیراهن‌های استراحتی در منزل میباشند - ۳ پس از نماز خفتن که موقع استراحت زن و شوهر است (د ۱) .

ج - حرمت نکاح فرزندان با زنی که همسر پدر است و نیز مادر، عمه خاله ، خواهر زاده ، برادر زاده ، مادران شیرده « دایگان » ، خواهران شیری یادآوری شد (د ۲) .

#### ۴ - پیوند عاطفی:

الف - در مورد کودکان یتیم و حفظ اموال آنها و دخالت اصلاحی بدون هیچ گونه غرض و مقصود ناسد آیات فراوانی قید گردیده و بالغ بر ۳۶ آیه ذکر شده بویژه در سوره نساء آیه ۶ که مواظبت کامل از حال و مال كودك یتیم تأکید شده، تا بهنگامی که آنان بسن نکاح برسند ، در این هنگام باید مالشان را بدیشان برگردانید و اسراف و ولخرجی در آن نشود .

۵ - فرزند خوانده : سه آیه در این مورد می باشد که تأکید شده نسب و خاندان فرزند خوانده باید حفظ گردد و چنانچه پدر كودك یتیم شناخته نشود ، او همانند برادر آدمی و شريك مال تلقی می گردد و باید در رعایت حالش کوشید .

#### پایان

۱ - همان آیه ۵۸ و ۵۹ ، و نیز رجوع شود به تفسیر ابوالفتح رازی

تصحیح آقای الهی چاپ دوم ۱۳۲۱ جلد ۷ ص ۲۷۲

۲ - سوره النساء (۴) آیه ۲۳ بیعد و برای پدران علاوه بر محرمات

فوق زناشویی با مادرزن دختر خوانده و همسران فرزند و زناشویی با دو خواهر در يك زمان حرام است.

۳ - سوره النور (۲۴) آیه ۳۱ ،